

سنخ‌شناسی مواجهه خانواده‌ای ایرانی با بحران کرونا

مرضیه ابراهیمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر سنخ‌شناسی نحوه‌ی مقابله خانواده‌های ایرانی با بحران کروناست. روش این تحقیق روش کیفی است و با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق با ۱۴ شرکت‌کننده صورت گرفته است. براساس تفاوت در الگوی ارتباطی خانواده، سازماندهی کنش افراد و با توجه به نحوه مواجهه آنان با بحران کرونا، خانواده‌ها در ۳ دسته تقسیم‌بندی شدند. این دسته‌بندی شامل: خانواده‌های رضایت‌مدار یا توافق‌کننده، خانواده‌های سهل‌انگار (به‌حال خود واگذارنده) و خانواده‌های محافظتی است. مهم‌ترین تفاوت این خانواده‌ها در نحوه مدیریت روابط خانوادگی است، در خانواده‌های رضایت‌مدار، به دلیل افزایش میزان گفت‌وگو که منجر به شناخت بیشتر اعضای خانواده از یکدیگر شده الگوهای رفتاری پیشین در بین اعضا در این دوران اصلاح می‌شود، اما در خانواده‌های سهل‌انگار، به دلیل ضعف شناخت اعضا از یکدیگر، فقدان فضای گفت‌وگو و بحران‌های ناشی از مسئله کرونا، تنش در میان افراد افزایش پیدا می‌کند. اما مهم‌ترین ویژگی در خانواده‌های نوع سوم پیش‌بینی‌ناپذیر بودن است که تلفیقی از دو گروه پیشین است.

واژگان کلیدی: سنخ‌شناسی، خانواده ایرانی، بحران کرونا، روابط خانوادگی.

^۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی: ma_ebrahimi@sbu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

با توجه به اینکه یکی از راهبردهای اصلی مواجهه با بیماری کرونا کاهش خروج از خانه است، این محدودیت علی‌رغم ایجاد فرصت‌های جدید برای ارتقا و بهبود روابط اجتماعی میان اعضای خانواده مسائل و مشکلاتی به وجود آورده است که می‌تواند در دوران پساکرونا نیز ادامه داشته باشد، یکی از راهبردهای مهم مدیریت این بحران شناخت و برنامه‌ریزی برای چالش‌های خانواده ایرانی در این دوران است.

همان‌طور که گزارش‌های سازمان ملل در سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد، خشونت‌های خانگی در دوره بیماری کرونا در اکثر کشورها، رشد داشته است؛ در سنگاپور، قبرس، فرانسه میزان خشونت‌های خانگی ۳۰ درصد گزارش شده است. از دلایل افزایش این نوع آمارها می‌توان به «محبوس ماندن افراد در بلندمدت در محیط خانه، نداشتن تماس با دیگر افراد جامعه، به‌ویژه خانواده گسترده، بیماری یا از دست دادن عزیزان، نگرانی و اضطراب ناشی از جان سالم به در بردن از خود بیماری و/یا حتی تحمل بلندمدت اخبار پراسترس، نگرانی از ابتلای یکی از اعضای خانواده به بیماری و اضطراب‌های ناشی از مسائل اقتصادی و تعطیلی کسب و کارهای خرد و خدماتی، تعامل با کودکان محبوس در خانه و چگونگی آموزش شیوه صحیح مواجهه با بیماری برای کودکان و کاهش اضطراب و رفتارهای وسواس‌گونه در آنها و... در شرایطی که تاکنون آموزش همگانی جدی و مؤثری برای مقابله با وضعیت‌های بحرانی به خانواده‌ها داده نشده است» (معاونت پژوهش‌های اجتماعی_فرهنگی دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ، ۱۳۹۹). باوجوداینکه این وضعیت ممکن است برای تمام افراد شرایط دشواری را ایجاد کند، اما خانواده‌های ایرانی و به تبع آن، افراد ممکن است رویکردهای مختلفی در رابطه با این وضعیت جدید اتخاذ نمایند که تجربه آنان از شیوع ویروس کرونا و در خانه ماندن را متفاوت کند. هدف این تحقیق نوع‌شناسی مواجهه خانواده‌های ایرانی با ویروس کروناست که در موج اول شیوع بیماری انجام شده است. اگرچه تاکنون تحقیقات زیادی در رابطه با آثار اجتماعی شیوع کرونا صورت نگرفته است و ادبیات نظری در رابطه با آن شکل نگرفته است، اما می‌توان از نظریات و مدل‌های مربوط به دیگر بحران‌ها برای بررسی این موضوع بهره گرفت.

پیشینه تجربی

با توجه به اینکه شیوع ویروس کرونا (کووید ۱۹) بحران جدیدی در تمامی کشورهاست در نتیجه، تاکنون تحقیقاتی زیادی در ایران و دیگر کشورها در رابطه با ابعاد اجتماعی این مسئله انجام نشده است. همچنین با توجه به اینکه بررسی نحوه تعاملات و ساختار خانواده‌ها یکی از بخش‌های اصلی این تحقیق است، در پیشینه پژوهش به تحقیقات انجام شده در این حوزه پرداخته‌ایم تا بتوانیم توصیفی از وضعیت کلی خانواده‌ها در کشور در دست داشته باشیم.

صبوری خسروشاهی (۱۳۸۹) در تحقیقی به دنبال بررسی تفاوت‌های نگرشی و رفتاری میان والدین و فرزندان است. پیامد این شیوه زندگی ایجاد تعارض و تضاد در حوزه روابط درون خانوادگی است. این تحقیق نشان می‌دهد سبک زندگی متفاوت میان والدین و فرزندان از اصلی‌ترین دلایل تعارض بین آنهاست. بیشترین حوزه تعارض میان فرزندان با والدین، دوستی دختر با پسر، سیگار کشیدن و مصرف مشروبات الکلی بوده است.

سفیری و آراسته (۱۳۸۷) به بررسی روابط قدرت در خانواده پرداخت. این تحقیق در بین کلیه زنان متأهل شاغل و/یا خانه‌دار ۲۴ تا ۵۰ سال با حداقل یک سال تجربه زندگی مشترک انجام شده بود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد بین سرمایه اقتصادی زنان و روابط دموکراتیک آنان با همسران خود رابطه معناداری وجود دارد. هرچه میزان سرمایه اقتصادی زنان بیشتر باشد، روابط همسر آنها دموکراتیک‌تر و دوسویه‌تر می‌شود.

با توجه به نتایج حاصل از این تحقیقات، دلایل بروز اختلاف در بین اعضای خانواده ممکن است به دلیل سبک زندگی متفاوت بین والدین و فرزندان مانند مصرف مشروبات و دوستی با جنس مخالف باشد. از مهم‌ترین دلایل ایجاد مشکل در روابط بین زوجین می‌توان به اختلاف سلیقه‌ها، دخالت‌های نابجای اطرافیان، اختلافات فکری و... اشاره نمود. اما عواملی مانند سرمایه اقتصادی، اشتغال، سطح تحصیلات زنان و... از جمله عوامل تأثیرگذار بر ساختار قدرت در خانواده در ایران است که به دموکراتیک‌تر شدن فضای خانواده کمک می‌کند. اگرچه تحقیقاتی که در بالا اشاره شد، مربوط به تأثیر کرونا بر وضعیت خانواده‌ها در ایران نیست، اما شناسایی مشکلات و چالش‌هایی که خانواده‌ها قبل از ورود به این بحران دارند می‌تواند راهنمایی برای شناسایی مشکلات فعلی آنان باشد.

اما در رابطه با تحقیقاتی که در این خصوص در دیگر کشورها صورت گرفته است: ژانگ و ما^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای در چین، به بررسی تأثیر بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ بر سلامت روان و کیفیت زندگی افراد بالای ۱۸ سال پرداخته‌اند. در این تحقیق، شاخص‌های تأثیرات بهداشت روان منفی، حمایت اجتماعی و خانوادگی و سلامت روان مربوط به تغییر سبک زندگی مورد ارزیابی قرار گرفت. در مجموع، ۲۶۳ شرکت‌کننده (۱۰۶ مرد و ۱۵۷ زن) در این پژوهش شرکت داشتند. با توجه به یافته‌های این تحقیق ۵۲٫۱٪ از شرکت‌کنندگان به دلیل بیماری همه‌گیر احساس وحشت می‌کردند. ۵۳٫۳٪ به دلیل بیماری همه‌گیر احساس درماندگی نمی‌کردند. همچنین ۶۴ درصد شرکت‌کنندگان به افزایش ارتباط و حمایت از جانب اعضای خانواده و دوستان اشاره کرده‌اند و ۵۸ درصد از شرکت‌کنندگان بیان کرده‌اند که میزان اشتراک‌گذاری احساسات با اعضای خانواده، خصوصاً هنگامی که فرد احساس ناراحتی یا غم دارد، افزایش داشته است. اسپینلی^۲ و همکاران (۲۰۲۰) با انجام پژوهشی با هدف بررسی تأثیر عوامل خطرزا با شیوع کوید ۱۹ بر بهزیستی والدین و فرزندان در ایتالیا پرداخته‌اند. این تحقیق که به صورت نظرسنجی آنلاین و با والدین کودکان بین ۲ تا ۱۴ ساله صورت گرفته است، شرایط محیط خانه، مشکلات والدین در اثر قرنطینه، ادراک فردی والدین از استرس، استرس دوگانه والد-کودک و مشکلات عاطفی و رفتاری فرزندان در مدت بیماری کرونا را مورد بررسی قرار داد. ۸۹۴ پاسخگو در ایتالیا، در این تحقیق شرکت داشته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که قرنطینه بر مشکلات رفتاری و عاطفی کودکان به واسطه استرس فردی والدین و استرس والد/فرزند (دشواری در مدیریت تعامل بین والدین و فرزندان) اثرگذار است که تأثیر دومی بسیار بیشتر است. والدینی که مشکلات بیشتری در برخورد با قرنطینه داشته‌اند، استرس بیشتری نشان می‌دهند و این به نوبه خود، باعث افزایش مشکلات روان‌شناختی کودکان می‌شود. والدینی که باید زندگی شخصی، کار و بزرگ کردن فرزندان را متعادل کنند، به طور بالقوه، توانایی حامی بودنشان مختل می‌شود. در نتیجه، عدم حمایت از این کودکان در چنین لحظات سختی، ممکن است دلیل علائم روان‌شناختی برجسته آنها باشد.

1. Yingfei Zhang and Zheng Fei Ma

2. Maria Spinelli

مکراری و سانگا^۱ (۲۰۲۰) در تحقیقی به بررسی تأثیر قرنطینه بر خشونت خانگی در آمریکا پرداخته‌اند. در این تحقیق، از تماس‌های افراد با ۹۱۱ (اورژانس اجتماعی) استفاده شده که مربوط به ۱۴ شهر بزرگ آمریکاست. این تماس‌های ضبط شده، حدود ۵۲ میلیون تماس بودند که حدود ۳ درصد (۱,۶ میلیون) از تماس‌ها مربوط به خشونت خانگی بودند. در زمان قرنطینه خانگی، به دلیل شیوع کرونا خشونت خانگی از ۱۲ درصد در ساعات کاری به ۲۰ درصد افزایش یافته است. میزان آزار و خشونت برای اولین بار از ۱۶ درصد به ۲۳ درصد در ساعات کاری افزایش یافته است. بیشتر این افزایش خشونت‌ها در طول روز، اتفاق افتاده است که به دلیل حضور بیشتر افراد در این زمان‌ها در خانه نسبت به قبل است. فیتز^۲ و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تغییرات خشونت‌های خانگی در استرالیا، قبل و بعد از قرنطینه به دلیل کوید ۱۹ پرداخته‌اند. این تحقیق با جمع‌آوری اطلاعات از میان ۱۶۶ نفر از متخصصان، که در حوزه‌های مختلف مربوط به خانواده و زنان مشغول به کار هستند، انجام شده است. پاسخگویان شامل ۴۸ نفر در بخش‌های مربوط به کودکان و خانواده، ۴۲ نفر متخصص خانواده و آزار جنسی و باقی در بخش‌های دیگر مشغول به کار هستند. بیش از نیمی از این متخصصان ابراز کرده‌اند که میزان خشونت علیه زنان در این دوران افزایش یافته است. ۱۰۲ نفر از این افراد معتقدند شدت خشونت‌ها برای مراجعه‌کنندگان بیشتر از گذشته بوده است. ۱۰۵ نفر از این متخصصان گفته‌اند که میزان اولین خشونت‌ها، که زنان تجربه کرده‌اند، نیز افزایش داشته است. با توجه به تحقیقات انجام شده در زمینه بحران کرونا در دیگر کشورها نیز نشان می‌دهد که میزان خشونت‌های خانگی در این دوران، افزایش داشته است و در برخی موارد، شدت خشونت‌ها نیز افزایش پیدا کرده است. مهم‌ترین مسئله افزایش اولین تجربه‌های خشونت‌آمیز در خانه است که نشان‌دهنده افزایش تنش در میان اعضای خانواده است. این مسئله برای کودکان، که شاهدان این نوع رفتارها هستند، ممکن است دچار مشکلات زیادی کند. اما ازسوی دیگر، برخی از این تحقیقات به این نکته اشاره کرده‌اند که به دلیل کرونا روابطشان با اعضای خانواده بیشتر شده و همچنین دریافت حمایت از جانب خانواده و دوستان به پذیرش این شرایط کمک کرده است.

1. Sanga, McCrary

2. Pfitzner

ملاحظات نظری

با وجود اینکه بخش مهمی از این تحقیق به توصیف نحوه مواجهه خانواده‌ها با بحران کرونا می‌پردازد اما رویکردهای نظری مختلفی که در رابطه با ساز و کار و ساختار خانواده وجود دارد می‌تواند راهنمایی برای تفسیر بخشی از یافته‌های این تحقیق باشد.

رویکرد نظری کارکردگرا

در این رویکرد، خانواده به‌عنوان یک نهاد و خرده نظام اجتماعی در تعامل با دیگر نهادها و خرده نظام‌های اجتماعی تصور می‌شود. این رویکرد، یک خانواده بهنجار را خانواده‌ای می‌داند که در آن تضادی میان عناصر کارکردی نهاد خانواده وجود نداشته باشد. کارکرد خانواده از نظر این رویکرد، پاسخگویی به یک نیاز اساسی جامعه، یعنی پرورش فاعلان اجتماعی بهنجار، است. بنابر نظر پارسونز، کارکردهای اساسی خانواده عبارت‌اند از اجتماعی کردن اولیه و ایجاد ثبات شخصیتی برای بزرگسالان در مواجهه با مسائل زندگی روزمره. هرگونه اختلال در نظام خانواده، انجام چنین وظایف خطیری را با مشکل مواجه می‌کند و سلامت جامعه را به‌خطر می‌اندازد. نظریه کارکردگرایی با این انتقاد مواجه شده است که نهاد خانواده را ایدئالیزه می‌کند، تضاد، سوءاستفاده و نابرابری‌های جنسیتی در خانواده را نادیده می‌گیرد (حسینی، ۱۳۸۵). از نگاه کارکردگرایان، ویروس کرونا می‌تواند در سیستم اجتماعی و نهاد خانواده عدم تعادل ایجاد کند و بخشی از کارکردهای خانواده دچار اختلال شود، این مقاله درصدد است که اختلال در روابط خانوادگی را در زمان بحران کرونا، بررسی کند و به این سؤال پاسخ دهد که تا چه اندازه کارکردهای عاطفی و حمایتی خانواده در این دوران دچار چالش می‌شود.

نظریه مبادله اجتماعی

طبق این نظریه، افراد روابطشان را برحسب هزینه‌ها و فایده‌ها ارزیابی می‌کنند. پاداش‌ها شامل عشق، حمایت، رفاقت، امنیت عاطفی، پایگاه و روابط اجتماعی و جنسی، همچنین مالکیت و منابع مالی و همبازی در وظایف روزانه است. ازدیگرسو، هزینه‌ها ممکن است شامل کار و مسئولیت بیشتر، عادت‌های آزاردهنده یا محدود شدن انتخاب‌ها و آزادی‌های فردی باشد. این نظریه فرض می‌گیرد که افراد به شیوه‌ای رفتار می‌کنند که بیشترین سود و کمترین هزینه‌ها را

داشته باشد، اگرچه این انگیزه‌ها ممکن است آشکار و عقلانی نباشند. هنگامی که افراد احساس کنند که پاداش روابطشان منصفانه است و هزینه‌ها به‌صورتی برابر توزیع شده است، رابطه با ثبات و نیرومند است. درمقابل، یک مبادله نابرابر به‌سوی فروپاشی پیش می‌رود. مثلاً تصمیم به طلاق، از طریق مقایسه منابع همسان و پاداش‌های رابطه با جذابیت‌های جایگزین خارج از ازدواج_ مانند یک علاقه عاشقانه جدید یا احساس آزادی و استقلال بیشتر_ شکل می‌گیرد. اگر جذابیت‌های جایگزین بیشتر از پاداش‌های رابطه باشند، موانع پایان رابطه کاهش می‌یابد. بدین ترتیب، نظریه مبادله یک تقابل سفت‌وسخت با تصورات رمانتیک درباره عشق، ازدواج و خانواده دارد (کلارک استیوارت و برنتانو، ۲۰۰۶). بعد از شیوع بیماری کرونا، افراد ساعات بیشتری در کنار یکدیگر در خانواده بودند و این امر منجر به محاسبه سود و زیان روابطشان شده است، یکی از مواردی که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود، ارزیابی افراد از این روابط و تأثیر آن بر کنش‌های متقابل آنهاست.

نظریات مدرنیته

این رویکرد نظری، خانواده را در پرتو تحولات مدرنیته تحلیل می‌کند. مارکس در مانیفست کمونیست، گسترش سرمایه‌داری در یک جامعه را عاملی برای سست کردن روابط خانوادگی می‌داند. از نظر او، حاکم شدن روابط پولی در نتیجه توسعه سرمایه‌داری در میان اعضای خانواده، به سست شدن نهاد خانواده می‌انجامد. مارکس معتقد بود که سرمایه‌داری، روابط خانوادگی را به رابطه پولی صرف فرو می‌کاهد (مارکس، مانیفست کمونیست). زیمل (۱۳۸۰) اما تضادهای خانوادگی و روابط زناشویی را در پرتو تضاد فرهنگ مدرن می‌دید. زیمل اشاره می‌کند که عصر مدرن، عصر تضاد میان اشکال فرهنگی جدید و قدیم با یکدیگر است. براساس همین استدلال، زیمل به این نتیجه رسید که اشکال جدید روابط خانوادگی و الگوهای ازدواج، با اشکال قدیمی آن در تضاد قرار می‌گیرند و منشأ فروپاشی خانواده می‌گردند. رویکرد موسوم به نظریه مدرنیته، مورد استفاده برخی از جامعه‌شناسان بزرگ برای تحلیل زندگی خانوادگی قرار گرفته است. با این اوصاف از مدرنیته، می‌توان دریافت که چگونه خانواده مقدس در شرایط مدرن، نامقدس می‌گردد و روابط خانوادگی، که قرن‌ها از باثبات‌ترین روابط تلقی می‌شدند، دچار تلاطم و آشوب بلا وقفه گردیده‌اند و بسیاری خانواده‌های تازه شکل گرفته پیش از آنکه استوار شوند،

فرو می‌پاشند. ازسوی دیگر، همچنان که زیمیل اشاره می‌کند، عصر مدرن، عصر تضاد میان اشکال فرهنگی جدید و قدیم با یکدیگر است. براساس این نظریه، بحران کرونا تضادها و تنش‌هایی را درون خانواده ایجاد کرده و طبق آمارها و ارزیابی‌های سازمان‌های مسئول میزان خشونت‌های خانوادگی در این دوران، افزایش یافته است، در برخی از کشورها نیز آمار طلاق افزایش چشمگیری داشته است، براین‌اساس، مواجهه برخی خانواده‌ها با بحران کرونا به دلیل فقدان مهارت‌های ارتباطی، مشکلات بسیاری پیش رویشان قرار داده است.

مدل فرایند و محتوای خانواده

براساس این مدل، خانواده به‌عنوان یک سیستم پویا تحت‌تأثیر انواع مختلفی از عوامل خارجی ازجمله موقعیت اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی و بحران قرار می‌گیرد. این عوامل خارجی دائم تغییر می‌یابند، بنابراین خانواده جهت انطباق با این موقعیت جدید، نیازمند تغییراتی می‌باشد. خانواده‌ها باید سیستم خود را با موقعیت اجتماعی هماهنگ سازند. در صورتی که خانواده‌ها نتوانند به هماهنگی خود با این تغییرات خارجی بپردازند، ازطرف محیط اجتماعی پذیرفته نخواهند شد. بنابراین هرچه خانواده‌ها منسجم‌تر و هماهنگ‌تر باشند، عملکرد بهتری نیز در موقعیت موجود خواهند داشت (سامانی، ۲۰۰۸). برخی از خانواده‌های ایرانی بعد از شیوع این بیماری، به‌سرعت توانستند تغییراتی را برای تطبیق با شرایط در روابط خانوادگی خود ایجاد کنند و به مدیریت بحران کرونا بپردازند.

تیپولوژی انواع خانواده

مک لوند و چفی (۱۹۷۲) معتقدند که برای رسیدن به یک واقعیت مشترک در بین اعضای خانواده، مورد بحث قرار دادن باورها و مفاهیم راهی عملی و مفید است. آنها این شیوه را «جهت‌گیری مفهومی» نامیدند. روش دیگر رو آوردن به والدین برای راهنمایی گرفتن است که آن را «جهت‌گیری اجتماعی» نامیدند. کواستن (۲۰۰۴) بیان می‌دارد که در خانواده‌هایی که دارای گرایش مفهومی هستند، والدین به در نظر گرفتن همه جوانب یک مطلب، قبل از اتخاذ تصمیم و بیان عقیده همه افراد خانواده، حتی اگر مغایر با عقاید دیگران باشد، تأکید می‌کنند. برعکس، در خانواده‌ای با گرایش اجتماعی، والدین عقیده دارند که فرزندان آنها باید از تعارض

و مخالفت با نظر جمع اجتناب کنند، در بحث‌ها تسلیم آنها شوند و به بزرگترها احترام بگذارند، به‌طورکلی، جلوی مسائل بین فردی را بگیرند. درکل، در این نوع جهت‌گیری، اعضای خانواده در فعالیت‌های فردی یکدیگر شرکت می‌کنند و باهم برای خانواده تصمیم می‌گیرند و برنامه‌های خانواده، ازطریق بحث با تمام اعضا منعقد می‌شود (کوثرنر و ایس، ۲۰۰۲). جهت‌گیری همنوایی به این معناست که ارتباطات خانواده، تا چه حد بر یکسان کردن نگرش‌ها، عقاید و ارزش‌های همه اعضا تأکید می‌کند (کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲).

تعامل دو بعد جهت‌گیری گفت و شنود و همنوایی چهار نوع خانواده، که هریک الگوی ارتباطی متفاوتی دارد، را به‌وجود می‌آورد.

۱. خانواده‌های رضایت‌مدار (توافق‌کننده) خانواده‌هایی هستند که هم گفت‌وشنود زیادی دارند و هم همنوایی بالا. در چنین خانواده‌هایی، والدین به آنچه فرزندان بیان می‌کنند علاقمند هستند، اما درعین‌حال معتقدند که خودشان باید برای خانواده و فرزندان تصمیم بگیرند. والدین تنش و فشارهای احتمالی خانواده را اینگونه رفع می‌نمایند که هم به صحبت‌های فرزندان گوش می‌کنند و هم به فرزندان در مورد علل عقاید، ارزش‌ها و تصمیماتی که گرفته‌اند، توضیحاتی می‌دهند (کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲).
۲. خانواده‌های جمع‌گرا با گفت‌وشنود زیاد و همنوایی کم مشخص شده‌اند. والدین اینگونه خانواده‌ها عقاید کودکان خود را می‌پذیرند و اجازه می‌دهند که آنها نیز در تصمیم‌گیری‌های خانواده شرکت نمایند، اینگونه خانواده‌ها احساس شایستگی و اعتماد به توانمندی را در فرزندان افزایش می‌دهند (کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲).
۳. خانواده‌های محافظتی (حفظ‌کننده) گفت‌وشنود کم و همنوایی بالایی دارند. والدین این خانواده‌ها معتقدند که باید برای خانواده و فرزندان تصمیم بگیرند و لزومی ندارد که در مورد تصمیمات خود توضیحی به فرزندان بدهند (کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲).
۴. خانواده‌های سهل‌انگار با گفت‌وشنود کم و همنوایی کم مشخص شده‌اند. والدین این خانواده‌ها معتقدند تمام اعضای خانواده باید قادر به تصمیم‌گیری باشند، اما علاقه‌ای به تصمیمات فرزندان خود نشان نداده و به داشتن ارتباط و محاوره با آنها بهایی نمی‌دهند.

(کوثرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). در این خانواده‌ها، اعضا حمایت کمی از سوی یکدیگر برای بیان عقاید خود دریافت می‌کنند (کوثرنر و مکی، ۲۰۰۴).

روش تحقیق

با توجه به اینکه هدف از این مطالعه سنخ‌شناسی نحوه مواجهه خانواده‌ها با بحران کروناست، برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کیفی و تکنیک تحلیل مضمون استفاده شده است. در این تحقیق، از طریق انجام مصاحبه‌های عمیق با ۱۴ خانواده به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته شده است، روش نمونه‌گیری این پژوهش روش نمونه‌گیری هدفمند بوده است و با مراجعه به خانواده‌ها در شهر تهران مصاحبه‌ها انجام گرفته است. برای اینکه بتوان الگوهای مختلف در رابطه با نحوه مواجهه خانواده‌های مختلف را با بحران کرونا بررسی نمود، سعی شد افرادی با تنوع در تعداد اعضای خانواده، سن و تحصیلات مختلف انتخاب شوند. در این پژوهش، ۹ زن و ۵ مرد شرکت داشتند. میانگین زمان مصاحبه ۲ ساعت بوده است. بعد از جمع‌آوری داده‌ها از طریق سه مرحله کدگذاری به تحلیل یافته‌های تحقیق پرداخته شد و به منظور افزایش اعتبار تحقیق از روش‌های تکمیلی حین پژوهش همچون مشاهده یا گفت‌وگوی تکمیلی با سایر اعضای خانواده انجام شده است. همچنین در تحلیل برای اینکه مبنای دقیقی برای مقایسه تغییرات و مسائل قبل از شیوع کرونا و بعد از آن داشته باشیم از آمار مربوط به پیمایش ملی خانواده سال ۱۳۹۷ استفاده شد.

یافته‌ها

با توجه به اینکه ویژگی‌های زمینه‌ای افراد در نوع واکنش و مواجهه آنها در مسائل مختلف تأثیرگذار است، برخی از متغیرهای مهم در این خصوص در جدول ذیل آورده شده است:

جدول شماره ۱: سیمای پاسخگویان

ردیف	نام مستعار	جنس	سن	تحصیلات	تعداد اعضای خانواده	نسبت با خانواده
۱	محمد مهدی	مرد	۶۷	لیسانس	۶	سرپرست
۲	سهیلا	زن	۴۰	لیسانس	۴	همسر
۳	معصومه	زن	۷۰	لیسانس	۳	سرپرست
۴	کبری	زن	۵۷	دیپلم	۴	همسر
۵	نرگس	زن	۵۵	دیپلم	۲	همسر

ادامه جدول شماره ۱: سیمای پاسخگویان

ردیف	نام مستعار	جنس	سن	تحصیلات	تعداد اعضای خانواده	نسبت با خانواده
۶	مهدی	مرد	۴۲	فوق لیسانس	۳	سرپرست
۷	ملیکا	زن	۳۲	لیسانس	۴	فرزند
۸	نیره	زن	۳۶	دکتری	۶	فرزند
۹	حسین	مرد	۴۰	دکتری	۵	همسر
۱۰	سعید	مرد	۴۱	دکتری	۲	سرپرست
۱۱	منصوره	زن	۴۸	لیسانس	۴	همسر
۱۲	منوچهر	مرد	۶۶	فوق لیسانس	۲	سرپرست
۱۳	مریم	زن	۳۹	فوق لیسانس	۳	همسر
۱۴	سحر	زن	۳۶	دیپلم	۴	همسر

تیپولوژی مواجهه خانواده با بحران کرونا

براین اساس، الگوی ارتباطی خانواده و سازماندهی کنش افراد می‌تواند در مواجهه آنها با بحث کرونا تأثیرگذار باشد، جدول ذیل نشان می‌دهد که انواع خانواده چه نوع مواجهه و کنشی در زمان کرونا داشته‌اند:

جدول شماره ۲: تیپولوژی انواع خانواده

ردیف	نوع خانواده	نوع کنش	مواجهه با مسئله	رویکرد حل مسئله	استراتژی‌ها	کنش‌ها
۱	خانواده رضایت‌مدار یا توافق‌کننده ^۱	فعالانه و معطوف به هدف	پذیرش	پیشگیرانه - همکاری	مبتنی بر مشارکت	جمع‌گرا - همگرا
۲	خانواده‌های سهل‌انگار ^۲	منفعله‌ای و عاطفی	انکار	خنثی‌سازی - بی‌تفاوتی - فرافکنی	مبتنی بر سلايق و اقدامات فردی	فردگرا - واگرا
۳	خانواده‌های محافظتی ^۳	مقطعی و متغیر (بینابین)	پذیرش/انکار	پیشگیرانه/خنثی	مشارکت/ اقدام فردی	جمع‌گرا/ فرد گرا همگرا/واگرا

۱. Consensual

۲. Laissez-faire

۳. protective

خانواده رضایت‌مدار یا توافق‌کننده؛ کنش‌های فعالانه و معطوف به هدف

این دسته از خانواده‌ها با باور به وقوع بحران در جامعه، حداکثر تلاش برای بهبود شرایط را در سطح فردی و خانوادگی انجام می‌دهند، معمولاً کانال اصلی آگاهی از شرایط موجود برای آنها «تلویزیون» است و توصیه‌های مربوط به مدیریت بحران را جدی می‌دانند و معمولاً مسئله را جمعی می‌پندارند نه فردی.

- افزایش مهارت‌های ارتباطی در میان اعضای خانواده

یکی از مواردی که مشارکت‌کنندگان در این خصوص بدان اشاره کرده‌اند، علی‌رغم مشکلات پیش آمده، فرصتی است که شیوع بیماری پیش روی آنها قرار داده است تا فارغ از فشارهای شغلی بتوانند به امور خانواده در حوزه‌های مختلف بپردازند، همان‌گونه که بسیاری از تئوری‌ها و صاحب‌نظران بیان کرده‌اند، کاهش تعاملات خانوادگی می‌تواند مبدأ بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی باشد، چراکه افراد بیشتر نیازهای حمایتی و عاطفی خود را درون خانواده پاسخ می‌دهند و سرکوب یا عدم پاسخگویی به نیازها می‌تواند تبعات روانی و اجتماعی زیادی به همراه داشته باشد نرگس می‌گوید:

«تا پیش از این، به دلیل مسائل کاری نهایتاً بتونیم درباره مسائل ضروری مثل کار بچه‌ها حرف بزنیم اما الان بیشتر پیش هم هستیم، تازه دارم راجع به یک‌سری ویژگی‌ها و علائق اعضای خانواده‌ام شناخت بیشتری پیدا می‌کنم، قبلاً چون این شناخت نبود، خیلی وقتاً می‌شد که بدون اینکه بفهمیم منشأ دعوا و درگیری بود.»

این خانواده‌ها در برابر شرایط به‌وجود آمده، با کنش‌های فعالانه و برنامه‌ریزی‌های درون خانوادگی سعی می‌کنند که علاوه بر کنترل شرایط، به‌صورت آگاهانه وضعیت خانوادگی و تعاملاتشان را بهبود بخشند.

در این خصوص، لازم است به نتایج پیمایش ملی خانواده که در سال ۱۳۹۷، اجرا شده نیز اشاره کنیم که در آنجا ۶۲ درصد پاسخگویان معتقد بودند که فشار شغلی آنها زیاد است. این نتایج که قابلیت تعمیم به خانواده‌های ایرانی دارد، نشان می‌دهد که لزوم برنامه‌ریزی برای کاهش فشارهای شغلی و گذران وقت در کنار خانواده اهمیت بسیاری زیادی دارد و خانواده‌هایی که کنش‌های فعالانه‌ای در این حیطه داشته‌اند در دوران کرونا، برای این موضوع برنامه‌ریزی و

ایده‌هایی داشته‌اند؛ با توجه به مواردی که مشارکت‌کنندگان بدان اشاره کرده‌اند، خیلی از آنان از مهارت‌های لازم برای در کنار خانواده بودن و تعامل مناسب برخوردار نبوده‌اند و بیش از نیمی از پاسخگویان معتقد بودند که در ماه‌های و روزهای اول شیوع کرونا، با دشواری‌های بسیاری مواجه می‌شدند، اما به مرور زمان و از طریق پذیرش وضعیت به‌وجود آمده، به‌دنبال کشف راهکارهایی برای بهبود تعاملاتشان با اعضای خانواده پیدا کرده‌اند، علاوه‌بر حل مشکلات خانوادگی، کنش‌های فعالانه‌ای برای پیشگیری از ابتلا به بیماری در نظر بگیرند.

طراحی ایده‌ها و فعالیت‌های خلاقانه گذران اوقات فراغت در خانواده

یکی از مواردی که پیش از شیوع کرونا در خارج از خانواده انجام می‌شد، گذران وقت در خارج از منزل و بیشتر با گروه‌های همسالان، دوستان و همکاران بوده است، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در تیپ خانواده‌های دارای کنش‌های فعالانه و معطوف به هدف، افراد به‌صورت خلاقانه به طراحی ایده‌هایی برای بهبود گذران وقت در خانه داشته‌اند، این ایده در حوزه کارهای هنری و ورزشی از فراوانی بالاتری برخوردار بود؛ ملیکا می‌گوید:

«قبل کرونا، همه‌اش با دوستانم می‌رفتم بیرون، خب خانواده‌ام هم هر کی درگیر کار خودش

بود و خوشبینانه آخرای هفته به مهمونی‌ای چیزی می‌رفتیم، وقتی قرنطینه شدیم واسه اینکه

افسرده نشیم و دعوامون نشه شروع کردیم کارای مختلف انجام دادن.»

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تنوع فعالیت‌های فراغتی بیشتر شده است و افراد توانسته‌اند خیلی از شیوه‌های گذران اوقات فراغتشان را در خانه انجام دهند، گرچه یافته‌ها مؤید افزایش استفاده از رسانه و فضای مجازی برای گذران اوقات فراغت است، اما در همین حیطه نیز فعالیت‌های فراغتی هدفمند شده است و افراد بسیاری از علائق پیشین خود را که امکان انجام آن به دلیل مشغله کاری نبوده پیگیری کرده‌اند و انجام داده‌اند.

به‌نظر می‌رسد میزان استفاده از شبکه‌های مجازی در زمان کرونا روند صعودی داشته است البته تا حد زیادی این مسئله قابل پیش‌بینی بوده است، یافته‌ها نشان می‌دهد علاوه‌بر افزایش استفاده از شبکه‌های مجازی، افراد این تیپ از خانواده زمان بیشتری را برای تماشای تلویزیون صرف می‌کنند، علت اصلی این امر پیگیری اخبار مربوط به کرونا و آگاهی از راهکارهای کاهش آن اعلام شده است. نرگس می‌گوید:

«علاوه بر محیط‌های مجازی برای ارتباط با خانواده و دانلود کردن بعضی برنامه‌ها الآن تقریباً

تمام اخبار و برنامه‌های پزشکی و ... را پیگیری می‌کنیم و می‌بینیم.»

براساس داده‌های پیمایش ملی خانواده در سال ۱۳۹۷، ۷۵٫۷ درصد افراد اوقات فراغت خود را با خانواده می‌گذرانند که با توجه به یافته‌های حاصل از تحقیق حاضر این مسئله تغییری نکرده است. اما آنچه در این میان، تغییر کرده است علاوه بر افزایش تعداد کسانی که زمان فراغت خود را در خانواده می‌گذرانند و تغییر مکان گذران اوقات فراغت به درون خانه می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افراد بیشتر امکانات گذران اوقات فراغت خود را در خارج از خانه و در محیط‌ها و عرصه‌های بیرونی با هزینه‌کرد بالا جستجو می‌کردند، در دوران کرونا، با هزینه‌های کمتر، فراغت افراد، اغلب با الگوهای پیشین به درون خانواده منتقل شد، منظور از الگوهای پیشین محتوای فعالیت‌های فراغتی بوده است که شامل محتوای فرهنگی، هنری، آموزشی و... می‌باشد که افراد با تعریف و تدوین راهکارهای خلاقانه و استفاده از فضای مجازی الگوهای پیشین و جدید را در خانه انجام می‌دهند؛ بیش از نیمی از خانواده‌های مشارکت‌کننده در این پژوهش، اعلام کرده‌اند که هزینه‌هایشان در این حوزه نصف شده است، این امر می‌تواند نگرانی‌های موجود از وضعیت روان‌شناختی، وضعیت اجتماعی و وضعیت اقتصادی خانواده‌های ایرانی را در دوران پساکرونا ساماندهی نماید، آنچه اهمیت زیادی دارد این است که در این تیپ از خانواده‌ها، افراد فعالانه به سمت تغییر وضعیت و تطبیق می‌روند و همین امر فضا را برای بهبود شرایط خانواده در دوران پساکرونا مهیا می‌سازد.

- مدیریت فضای تصمیم‌گیری و کنش مبتنی بر مشارکت در خانواده

ساختار قدرت درون خانواده و نظام تصمیم‌گیری از موارد مهمی است که می‌تواند انسجام و همبستگی اعضای خانواده را در شرایط مختلف فراهم نماید، در زمان بروز مشکل یا بحران‌های طبیعی اهمیت شناخت و برنامه‌ریزی در این مقوله دوچندان می‌شود، به‌طوری‌که خانه «امن‌ترین» مکان موجود برای محافظت و پیشگیری از بیماری خواهد بود، اگر نظام تصمیم‌گیری در خانواده از بالا به پایین یا تک‌بعدی باشد، می‌تواند مشکلات بسیار زیادی برای اعضا ایجاد نماید و در شرایط عدم تحمل، محیط خانه برای اعضا «ناامن» شود، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در زمان شیوع کرونا، خانواده‌هایی نوع اول (دارای کنش‌های فعالانه) نظام

تصمیم‌گیری مشارکتی داشته‌اند و به‌همین دلیل، با فراوانی کمتری به مسائل بیماری یا تبعات آن مبتلا شده‌اند. طبق نتایج پیمایش ملی خانواده پیش از شیوع کرونا، بیش از نیمی از موارد تصمیم‌گیری درون خانواده به‌صورت مشارکتی انجام می‌شده، این میزان علاوه‌بر افزایش فراوانی موضوعات متنوع‌تری را در بر گرفته است، مثلاً قبلاً در امور خانه بیشتر زنان تصمیم‌گیر بوده‌اند و امور خارج از خانه به مردان واگذار می‌شده اما در زمان شیوع کرونا، داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد نگرش به این موضوع متفاوت شده است و زنان و مردان با یکدیگر در رابطه با امور خانه و خارج از خانه تصمیم می‌گیرند.

یکی از مسائلی که در این تیپ از خانواده‌ها رخ داده است، درک متقابل و تفاهم اعضای خانواده با یکدیگر، به‌خصوص در میان همسران، است، به‌این‌معنا که مشارکت مردان درون خانواده این تفکر که کار خانه «آسان» یا «بی‌اهمیت» است را تغییر داده است و ازطرف‌دیگر، زنان به مشکلات محیط‌های شغلی و درگیری‌های اجتماعی همسرانشان در گفت‌وگوی متقابل واقف شده‌اند؛ ملیکا می‌گوید:

«کنار هم بودن چند تا مزیت داشته؛ مثلاً، با هم حرف می‌زنیم متوجه می‌شیم که کار هیچ‌کدوممون بی‌ارزش نیست، اون از فضای کاریش می‌گه، من می‌بینم خب چقدر فشار داره تو کارش، تا قبل این تا می‌رسید و غذا می‌خورد می‌خوابید، جالبه بگم دو سه بار که آشپزی کرد و خرابکاری کرد، می‌گفت فکر نمی‌کردم سخت باشه، بعد این ماجرا هر وقت غذا می‌پختم ازم تشکر می‌کرد.»

همانگونه که در مصاحبه فوق اشاره شده است، یکی از مسائلی که ممکن است منجر به عدم شناخت اعضای خانواده از یکدیگر شود «عدم گفت‌وگو» در محیط خانه و خانواده است، خانواده‌هایی که در این دوران کنش‌های فعالانه و معطوف به هدف داشته‌اند، در حوزه‌های مختلف، حتی حوزه‌های مورد اختلاف با یکدیگر گفت‌وگو و تعامل دارند و این امر توانسته فشارهای روانی و اجتماعی این دوران را به شکل محسوسی کاهش دهد، لذا یکی از مواردی که می‌تواند منجر به بهبود و کنترل وضعیت کنونی گردد، شکل‌گیری الگوی مشارکتی تصمیم‌گیری و ارتباط و تعامل مبتنی بر گفت‌وگوست.

- بازاندیشی، بازسازی و بازتعریف شناخت اعضای خانواده از یکدیگر (مبتنی بر شناخت علائق، نیازها و انتظارات)

در مرحله اول فرایند بازاندیشی، افراد با گذران وقت بیشتر در کنار یکدیگر متوجه اختلاف نظرها یا موارد جدیدی از خواسته‌های اعضای خانواده از یکدیگر می‌شوند و ممکن است در ابتدای این مرحله، مسائل و حتی خشونت‌هایی بروز کند اما در این تیپ از خانواده‌ها به سرعت فرایند «بازاندیشی در حوزه شناخت» اتفاق می‌افتد، اگر مفهوم بازاندیشی را به معنای تجدید نظر و تأمل در نظر بگیریم، این امر همچون شمشیر دولبه می‌تواند علاوه بر اینکه زمینه‌ساز بروز خشونت و تعارض در خانواده شود، از طرف دیگر، شرایط شکل‌گیری شناخت جامع‌تری را فراهم خواهد کرد. مشارکت‌کنندگان در این تحقیق و کسانی که در خانواده‌های تیپ کنشگران فعال قرار گرفته‌اند ذهن منعطف‌تری دارند و امکان بازاندیشی و تأمل مجدد بر شناخت یکدیگر را بیش از پیش فراهم می‌کنند، در این دوران، از طریق گفت‌وگو سعی می‌کنند و وارد فضایی شوند که دیگر افراد خانواده فرصت معرفی برایشان فراهم شود.

در مرحله دوم، فرایند بازسازی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گذران وقت بیشتر با یکدیگر در میان این خانواده‌ها، باعث آگاهی آنها از آسیب‌ها و اختلال‌های ارتباطی‌شان شده است، به این معنا که بسیاری از آنها در مرحله بازاندیشی، شناخت دقیق‌تر اعضای خانواده نشان داده که مشکلات ارتباطی، مشکلات یک‌سویه و تک علتی نیستند و افراد می‌توانند با خودشناسی و شناخت دیگران بخش‌های آسیب دیده روابط خود را بازسازی کنند، مثلاً اگر پیش از دوران کرونا به دلیل کاهش تعاملات، رفتارهای ناشایستی نسبت به یکدیگر داشته‌اند، در این دوران، با راهکارهای مختلف آن را بازسازی نمایند. خانواده‌هایی با کنش‌های فعالانه بلافاصله پس از مرحله قبل وارد این مرحله خواهند شد، حسین می‌گوید:

«یه وقتی که خانومم انتظاری ازم داشت یا از علائق و خواسته‌هاش بهم می‌گفت، می‌ذاشتم به حساب زیاده‌خواهی یا عدم درک من یا چیزیای دیگه. این مدت که بیشتر کنار هم بودیم و سعی کردیم شرایط را کنترل کنیم تا جسمی و روحی سالم از این شرایط دربیایم، متوجه شدم که اونا زیاده‌خواهی نبوده و ویژگی زن‌ها بوده، دارم سعی می‌کنم بخش‌های آسیب دیده روابطمون و کم و کسری‌هایی که گذاشتم جبران کنم».

در مرحله سوم فرایند بازتعریف، در میان برخی از خانواده‌هایی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، با افزایش شناخت، روابط نیاز به تعریف مجدد پیدا می‌کنند، یعنی به دلیل ارتباط و تعامل بسیار کم و شناخت اندک اعضای خانواده از یکدیگر در حوزه نیازها، انتظارات و علائق، رفتار تمامی افراد سلیقه‌ای و مبتنی بر خواسته‌های خودشان و نه دیگری خواهد بود، پیامد این مسئله جزیره‌ای شدن خانواده، فردگرایی درون خانواده و درنهایت، کاهش همبستگی میان اعضا خانواده است، براین اساس، بعد از حصول شناخت از یکدیگر افراد تعریف جدیدی از روابط متقابل با یکدیگر خواهند داشت و این می‌تواند در کوتاه مدت مسائل و دشواری‌های زیادی به همراه داشته باشد، اما قطعاً در بلندمدت، نتایج مهم روان‌شناختی و اجتماعی با خود به همراه می‌آورد، سعید می‌گوید:

«شاید باورتون نشه این مدت احساس می‌کردم راجع به همسرم هیچی نمی‌دونم، من ساعات زیادی نیستم و اصلاً فرصت اینکه راجع به همدیگه حرف بزنیم پیدا نمیشد اما الان احساس می‌کنم خیلی چیزها باید انجام می‌شده که نشده، خوبه که زن و شوهر بتونن جز مسائل اقتصادی و بچه و... حرفای مشترک درباره خواسته‌هاشونم با هم داشته باشن».

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افراد بیش از گفت‌وگو در حیطه مسائل فردی خود و نیازها و علائقشان به دنبال برطرف کردن نیازهای ضروری و مسائل مرتبط با فرزندان‌شان هستند، یکی از پیامدهای این کنش فعال در خانواده شکل‌گیری فضای گفت‌وگوی بین نسلی و بهبود روابط والدین و فرزندان در میان این خانواده‌ها بوده است.

- تعویق منافع فردی تا تحقق منافع جمعی (مسئولیت‌پذیری)

یکی از مواردی که در دنیای جدید و شهرهای بزرگ بیش‌ازپیش به وقوع می‌پیوندد، فردگرایی و اولویت دادن به منافع فردی است، به‌طوری‌که افراد منافع، علائق و نیازهای خود را در مرکز توجه قرار می‌دهند و در صورتی که منافع جمع با آنها سنخیت نداشته باشد، منافع جمع را نادیده خواهند گرفت. کسانی که در این تیپ از خانواده قرار داشتند خودشان و دیگر اعضای خانواده‌شان را ترغیب به مسئولیت‌پذیری در شرایط موجود می‌کردند، به این معنا که همه ما در بهبود یا بدتر شدن شرایط «نقش» ایفا می‌کنیم، این افراد معمولاً منافع فردی را برای بهبود

شرایط اجتماعی به تعویق می‌انداختند و سعی می‌کردند با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، علاوه بر سلامت خود، برای سلامت دیگران نیز تلاش کنند.

خانواده‌های سهل‌انگار؛ کنش‌های منفعلانه و احساسی

این دسته از خانواده‌ها به دلایل مختلفی از جمله ناآگاهی، بی‌اعتمادی، ناامیدی و بی‌انگیزگی، درگیر بودن در مسائل اجتماعی همچون فقر و... نسبت به شرایط موجود بی‌تفاوت هستند و/یا اعتقادی به تأثیرگذاری کنش خود در تغییر وضعیت موجود ندارند، از این رو، مشارکت آنها حداقلی است و معمولاً معطوف به منافع فردی یا خانوادگی است. برخی از ویژگی‌های این خانواده‌ها در ذیل آورده شده است؛

- انفعال در مدیریت روابط خانوادگی

در میان خانواده‌هایی که کنش‌های منفعلانه و عاطفی را برگزیده‌اند، ارتباطات خانوادگی نظام خاص و متفاوتی ندارد و اعضای خانواده تلاشی برای تطبیق با شرایط موجود نمی‌کنند، به‌طوری‌که به سبک و سیاق قبل از دوران کرونا افراد با یکدیگر رفتار می‌کنند و به دلیل اینکه برنامه و طرح و فعالیتی برای ساماندهی روابطشان در دوران جدید ندارند، مشکلات بسیاری در محیط خانه و خانواده تجربه می‌کنند. در این تیپ خانواده‌ها، روابط از نظر شکل و محتوا تغییرات جدی‌ای را داشته است، موضوعات اختلاف افراد افزایش چشمگیری پیدا می‌کنند و آنها از هیچ کانالی تلاش برای بهبود شرایط نمی‌کنند.

- اولویت‌دهی به روابط مجازی

روابط افراد با یکدیگر اشکال مختلفی دارد، یکی از مؤثرترین و جامع‌ترین نوع روابط، روابط رودررو و چهره‌به‌چهره می‌باشد. جامعیت این نوع ارتباط به جهت این است که فرد می‌تواند از همه حواس خود در رابطه بهره‌گیرد و رابطه کمتر تحت تأثیر ذهنیت‌های گیرنده پیام یا تحریف قرار گیرد؛ برای مثال، در روابط رودررو احساسات واقعی افراد بروز و ظهور پیدا می‌کند و افراد همچون روابط مجازی پشت ایموچی‌ها پنهان نمی‌شوند، برخی افراد در محیط خانواده، روابط

رودررو را به حداقل می‌رسانند و سعی می‌کنند با فعالیت‌های مجازی و فردی از ارتباط با خانواده اجتناب نمایند؛ مهدی می‌گوید:

«توی این دوران کرونا خیلی رابطه‌ها مون زیاد نشده و تغییر نکرده، شاید جالب باشه بگم که خیلی از کارامون رو با همون پیام‌هایی که تو شبکه‌های مجازی میدیم پیش می‌بریم، من که اغلب توی اتاقم هستم و/یا کتاب می‌خونم، یا موسیقی گوش می‌دم یا تو اینترنت می‌چرخم»

برخی از کنشگران در این خانواده‌ها به دلیل بی‌اعتمادی به فضای اجتماعی و سیاسی اخبار مربوط به بیماری را باور نمی‌کنند و در نتیجه برای تغییر وضعیت طرح و نقشه‌ای در فضای خانوادگی نخواهند داشت، آنها معمولاً به صورت کاملاً منفعلانه، تسلیم شرایط می‌شوند و چون توجهی به موارد مطرح شده در خصوص بیماری نداشته‌اند، فراوانی کسانی که مبتلا به این بیماری می‌شوند در میانشان بیشتر گزارش شده است از طرف دیگر، مشکلات اقتصادی در میان این گروه به نسبت گروه دیگر بیشتر است و همین امر موجب می‌شود که علاوه بر کاهش کمیت ارتباط، کیفیت آن نیز تحت الشعاع قرار گیرد.

- عدم باور به تأثیرگذاری کنش‌های فردی

یکی از موارد مهم و قابل توجه در میان خانواده‌های گروه دوم، عدم باور به اثرگذاری کنش‌هایشان در حوزه‌های مختلف و به‌طور خاص، در بحث بیماری است، آنها معتقدند که عملکرد آنها هیچ تأثیر مثبت یا منفی‌ای بر کاهش یا افزایش بیماری نخواهد داشت و به همین دلیل مسئله یک مسئله شخصی است؛ معصومه می‌گوید:

«یه نفر و یه خانواده تأثیری تو تغییر شرایط (تازه اگه شرایط واقعا بد باشه) ندارن، رعایت

من چقدر مگه ممکنه جریان رو تغییر بده.»

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نداشتن باور به تأثیرگذار بودن و جمعی بودن رفتارها می‌تواند در بلند مدت، به احساس انزوا و کناره‌گیری از فضای اجتماعی منجر شود، به‌طوری‌که افراد بر مبنای سلائق و خواسته‌های شخصی خود عمل می‌کنند و به پیامدهای اجتماعی رفتار خود فکر نمی‌کنند، برخی از خانواده‌ها و اعضای آن در زمان شیوع بیماری کرونا به رفتارهایی که نفع جمعی را به خطر می‌اندازند ادامه می‌دهند.

- خروج از خانه و فاصله از خانواده

یکی از یافته‌های قابل توجه در این پژوهش، تفکیک میان «خانه» و «خانواده» است، به این معنا که در زمان شیوع بیماری، افرادی که در گروه خانواده‌های منفعل قرار می‌گیرند، اصولاً محیط بیرونی را بر خانه ترجیح می‌دهند، آنها به دلیل عدم تمایز بین محیط خانه و محیط بیرون از خانه ترجیح می‌دهند که به شرایط پیش از بیماری ادامه دهند و حضورشان در محیط‌های اجتماعی کاهش نمی‌یابد، آنچه خانه را از بیرون تفکیک می‌کند «امنیت و احساس امنیت» موجود در خانه است، اما اگر این تمایز و این احساس در خانه وجود نداشته باشد، پس جاذبه‌های ماندن در خانه کاهش می‌یابد و افراد در این شرایط در معرض خطرهای بسیاری قرار می‌گیرند. برخی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، توصیه‌های اعضای خانواده مبنی بر رعایت بهداشت را نوعی دخالت و ورود به حریم شخصی می‌دانستند و هیچ معنای حمایتی و عاطفی برای آن قائل نبودند، اعضای این خانواده‌ها اصولاً به صورت فردی و موزائیکی، فقط زیر یک سقف زندگی می‌کنند و بیش از «خانواده بودن» شبیه به یک «خانوار» هستند.

- بحران گفت‌وگو و شنیده شدن

در میان کسانی که کنش‌های منفعلانه و احساسی داشته‌اند، افراد تمایلی به ابراز احساسات و خواسته‌های خود و همچنین شنیدن احساسات و نیازهای دیگران ندارند، به همین جهت افراد از یکدیگر فاصله می‌گیرند، ویژگی متمایزکننده خانواده از سایر نهادهای اجتماعی، نزدیک شدن و فاصله کمتر اعضای خانواده از یکدیگر است، در دوران شیوع بیماری کرونا، این فاصله‌ها بیش از قبل خود را نشان داد، برخی آمارها نشان‌دهنده افزایش خشونت در این دوران است، مهم‌ترین علل این امر «بحران گفت‌وگو و شنیدن» در محیط خانواده است، این عوامل از گذشته وجود داشته است و فقط در این دوران بیش از قبل بروز و ظهور پیدا کرده است، معصومه می‌گوید:

«هر جمله‌ای می‌گیم به معنی دیگه برا طرف مقابل می‌ده، بد تعبیرش می‌کنه، دیگه کم‌کم

می‌گیم ولش کن، حرف نزنیم بهتره و اعصابمون راحت‌تره، نگران هم می‌شیم اما از ترس

اینکه به چی دیگه از توش درنیارن احساسمون نمی‌گیم. گاهی فکر می‌کنم اگه مریض بشم

هم همه نسبت به هم بی‌تفاوتیم و فکر می‌کنم حتماً می‌میرم تو این خانواده».

همان‌گونه که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، تقریباً در هر سه تیپ خانواده، نگرانی و هراس‌های افراد افزایش چشمگیری داشته است، اما با این تفاوت که در این گروه از خانواده‌ها، نگرانی‌های افراد مضاعف می‌شود، بسیاری از افراد پاسخگو اعلام کرده‌اند که علاوه بر مشکلات روحی و ترس از وقوع این مریضی، نگران این مسئله هستند که در صورت ابتلا از حمایت‌های عاطفی و بهداشتی محروم خواهند ماند و/یا نمی‌توانند مشکلات و مسائل خود را با افراد دیگر در میان بگذارند و همین مسئله آسیب‌های جدی روحی، جسمی و اجتماعی برای آنها به همراه آورده است.

- بحران اعتماد در سطح خرد و کلان

اعتماد در میان اعضای خانواده و جامعه، شاخص بسیار مهمی برای انسجام و مشارکت در حوزه‌های مختلف می‌باشد، اگر افراد به یکدیگر اعتماد داشته باشند، برای بهبود شرایط یکدیگر تلاش می‌کنند و به مصالح و منافع یکدیگر توجه بسیاری نشان می‌دهند، این اعتماد می‌تواند علاوه بر سلامت روان، سلامت اجتماعی را افزایش می‌دهد و افراد برای بهبود شرایط تلاش و مشارکت می‌کنند، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، خانواده‌هایی که در بهبود شرایط کنونی تلاش نمی‌کنند، از سطح اعتماد پایینی نسبت به دیگران برخوردارند، آنها علاوه بر نداشتن اعتماد بنیادین که در خانواده ایجاد می‌شود، مشکل اعتماد تعمیم یافته، یعنی اعتماد به غریبه‌ها را نیز دارند، به‌طوری‌که معتقدند دیگران (چه خانواده و چه مسئولان) خیر آنها را نمی‌خواهند و درصدد آسیب زدن به آنها هستند؛ ملیکا می‌گوید:

«شما می‌گید چقدر برات سلامت بقیه مهمه، راستش هیچی، مگه من برا کسی مهم هستم، وقتی نمی‌تونن به بقیه اعتماد کنن پس سرنوشتشونم مهم نیست، خانواده‌ام هم اگه نگرانه از نظر من نگرانه خودشون، هر وقت هم بهم میگن مراقب باش، بهشون میگم مریض بشم مزاحمتون نمی‌شم.»

بحران اعتماد علاوه بر مشکلات خانوادگی می‌تواند در حیطه اعتماد به رسانه‌ها و اعلام پروتکل‌های بهداشتی، مسائل و مشکلات بسیاری را به وجود بیاورد؛ به‌طورمثال، اغلب این کنشگران معتقدند که همان‌گونه که درون خانواده و در میان اعضای این خانواده‌ها خیرخواهی و نفع جمعی دیده نمی‌شود، همین احساس از خانواده به فضای جامعه نیز منتقل شده است و

به‌همین دلیل اعضای این خانواده‌ها اغلب تفسیرشان از اخبار رسانه‌های جمعی، بدبینانه و مبتنی بر بی‌اعتمادی است.

– خانواده‌های سهل‌انگار/ خانواده‌های محافظتی؛ کنش‌های متغیر و غیرقابل پیش‌بینی

این دسته از خانواده‌ها با توجه به شرایط موجود، رفتارهای خود را تنظیم می‌کنند و تصمیم‌گیری برای رفتارهایشان در لحظه اتفاق می‌افتد و با توجه به بحرانی شدن شرایط تلفیقی از رفتارهای دو گروه پیشین را انتخاب می‌کنند. یکی از نگرانی‌هایی که برای این گروه می‌توان بدان اشاره نمود، غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتار آنهاست، به‌طوری‌که در شرایطی که لازم است برنامه‌ریزی یا سیاست‌گذاری خاصی صورت گیرد، مشخص نیست که این افراد چقدر در عملیاتی شدن و اجرایی شدن برنامه‌های یاری‌دهنده خواهند بود یا موانعی ایجاد می‌کنند، این افراد براساس جو غالب جامعه، فضای شایعه و مواردی که به‌طور خاص، اتفاق می‌افتد و احساسات زودگذرشان کنش‌هایشان را تنظیم و ساماندهی می‌کنند. مریم می‌گوید:

«یه شب تو اینترنت خوندیم که دروغ میگن و مریضی اینجوری که میگن نیست، فرداش رفتیم مهمونی و کارامونو پیش بردیم، دوباره دو سه روز بعد، یکی از دوستان پدرش کرونا گرفت و یهو ترسیدیم و باز یه مدت قرنطینه بودیم، راستش از اول این موضوع خانواده ما صدجور تغییر موضع دادن، بستگی داشته چی بشنوم و چی بشه.»

متغیر بودن رفتارهای این خانواده‌ها مسائل و مشکلات بسیاری در خانواده ایجاد می‌کند، تغییر احساسات از آرامش مطلق تا هراس شدید، منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست در شرایط بحرانی می‌شود، اگر کودکانی در سنین جامعه‌پذیری در خانواده حضور داشته باشند، نمی‌توانند ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به سلامتی را درونی کنند و در اغلب موارد ممکن است در جامعه هنجارشکن معرفی شوند، این افراد دچار آشفتگی‌های روحی و اجتماعی بسیاری هستند و در این دوران، نتوانسته‌اند روابط اجتماعی خود را ساماندهی کنند. از منظر سایر افراد، این خانواده‌ها، دارای بی‌ثباتی هستند و دیگران نگران ارتباط با آنها هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که ایجاد اخلاق در آن نه تنها اعضای خانواده بلکه جامعه را با مشکلات جدی روبه‌رو می‌کند. گذراندن ساعت‌های طولانی در خانه به دلیل شیوع

کرونا و اضطراب ناشی از آن در کنار مشکلات اقتصادی و روانی ایجاد شده باعث به وجود آمدن تنش‌های زیادی بین اعضای خانواده می‌شود. با توجه به تحقیقات پیشین صورت گرفته در کشور، که در پیشینه به آن اشاره شد، تعارض در سبک زندگی بین والدین و فرزندان و اختلافات فکری و دخالت اطرافیان و... از دلایل اختلاف خانواده‌هاست. همچنین تحقیقات صورت گرفته در دیگر کشورها نشان از افزایش میزان خشونت خانگی و مهم‌تر از آن، افزایش میزان تجربه اولین خشونت‌ها در محیط خانه در دوران کرونا دارد که می‌تواند نشان‌دهنده میزان بالای بروز این نوع تنش‌ها باشد. همچنین در صورتی که این بحران منجر به اختلال در کارکردهای نهاد خانواده شود علاوه بر تمامی آثار آن می‌تواند زندگی کودکان را با مشکل روبه‌رو کند. خصوصاً در شرایط بحران که نیاز به حمایت بیشتری دارند. با توجه به نتایج این تحقیق، نحوه مواجهه خانواده‌ها با این مسائل را با استفاده از الگوی ارتباطی خانواده و سازماندهی کنش افراد می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی نمود: خانواده رضایت‌مدار یا توافق‌کننده، خانواده سهل‌انگار و خانواده محافظتی/سهل‌انگار است. یکی از اصلی‌ترین تفاوت‌های این سه گروه در نحوه تعاملات افراد با یکدیگر و ایجاد فضای گفت‌وگو در خانواده است. در خانواده‌های رضایت‌مدار یا توافق‌کننده افراد، به دنبال شناخت بیشتر از اعضای خانواده و تصحیح الگوهای رفتاری پیشین و افزایش و بهبود تعاملات هستند، برای اینکه بتوانند سطح تنش‌ها را کاهش دهند و خود را با شرایط جدید انطباق دهند. براساس مدل فرایند و محتوای خانواده، این نوع خانواده‌ها توانایی تطبیق‌پذیری بالایی دارند و به دلیل هماهنگی و انسجام بالاتر عملکرد بهتری در موقعیت‌های بحرانی دارند. درست برخلاف مورد قبل، در خانواده سهل‌انگار، تلاشی برای انطباق با شرایط جدید یا گفت‌وگو و بیان احساسات در میان اعضا دیده نمی‌شود. در نتیجه، عدم شناخت صحیح افراد از یکدیگر باعث می‌شود که حتی گفت‌وگو به تنش بیشتر بین اعضا ختم شود. وجود مشکلات در خانواده قبل از بروز بحران و نبود هماهنگی بین اعضا در صورتی که خانواده نتواند خود را با شرایط جدید تطبیق دهد، منجر به افزایش تنش‌ها بین اعضای خانواده می‌شود. در میان گروه سوم، ممکن است ترکیبی از این دوگونه رفتار مشاهده شود اما مشخصه اصلی آن پیش‌بینی‌ناپذیری کنش‌های آنان است. در خانواده‌های محافظتی/سهل‌انگار با وجود خطرات بیرونی، مانند بیماری، افراد همچنان ترجیح می‌دهند در محیط‌های خارج از خانه بمانند.

نتیجه چنین رویکردی، میزان بالای ابتلا به کرونا در میان این نوع از خانواده‌هاست. با توجه به اینکه میزان تنش، خصوصاً خشونت، در میان خانواده‌ها افزایش می‌یابد و همچنین مدل فرایند و محتوای خانواده به‌نظر می‌رسد که با آموزش به افراد در خانواده‌ها، در رابطه با نحوه مواجهه آنان با بحران بتوان تغییراتی را در نحوه تعاملات آنان در خانواده (سهل‌انگار، محافظتی/سهل‌انگار) ایجاد کرد که منجر به وقف بیشتر خانواده‌ها با شرایط جدید و کاهش تنش‌های افراد در شرایط فعلی خواهد شد.

منابع

- 0 آبوت، پاملا؛ کلر، والاس (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه: منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- 0 آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: انتشارات سمت.
- 0 ای. سی. کاف، شاروک، فرانسیس (۱۳۸۸). *چشم‌اندازهایی در جامعه‌شناسی*. ترجمه: بهزاد احمدی، امید قادر زاده. تهران: نشر کویر.
- 0 پروین، ستار؛ داوودی، مریم؛ محمدی، فریبرز (۱۳۹۰). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. *شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده*. فصلنامه شورای فرهنگی/اجتماعی، دوره ۱۴ (۵۴): ۱۵۳-۱۱۹.
- 0 چلبی، مسعود و رسول‌زاده، صمد (۱۳۸۱). آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۴، شماره ۲: ۵۴ - ۲۶.
- 0 خلیلی‌زاده، لیلی (۱۳۸۷). بررسی نقش زنان شاغل در کارکرد خانواده (توانمندسازی زنان). *استانداری کرمان، دفتر امور زنان و خانواده و وزارت کشور*.
- 0 زیمل، گئورگ (۱۳۸۰). تضاد فرهنگ مدرن. ترجمه: یوسف اباذری. *ارغنون*، شماره ۱۸. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- 0 سفیری، خدیجه و آراسته، راضیه (۱۳۸۷). بررسی سرمایه اقتصادی زنان و روابط دموکراتیک با همسرشان. *مجله تحقیقات زنان*، شماره اول، سال دوم: ۱۴۷-۱۱۴.
- 0 صبوری خسروشاهی، حبیب و معیدفر، سعید (۱۳۸۹). بررسی تفاوت سبک زندگی والدین و فرزندان و چگونگی تبدیل آن به تعارض در خانواده. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۷، تابستان ۱۳۹۰: ۹۸-۶۷.

0 دربارهٔ مقابله با شیوع ویروس کرونا، چالش‌های خانواده ایرانی در مواجهه با کرونا، معاونت پژوهش‌های اجتماعی- فرهنگی دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ، تاریخ انتشار ۱، ۲۶، ۹۹.

- 0 Barlow, D. H. (2004). *Anxiety and its disorders: The nature and treatment of anxiety and panic*. Guilford press, New York.
- 0 Bowerman, C. E.& Elder Jr, G. H. (1964). Variations in adolescent perception of family power structure. *American Sociological Review*: 551-567.
- 0 Campbell, A. M.; Hicks, R. A.; Thompson, S. L.& Wiehe, S. E. (2020). Characteristics of intimate partner violence incidents and the environments in which they occur: Victim reports to responding law enforcement officers. *Journal of interpersonal violence*, 35(13-14): 2583-2606.
- 0 Clarke-Stewart, A.& Brentano, C. (2006). *Divorce: Causes and consequences*. Yale University Press.
- 0 Jones, T. L.& Prinz, R. J. (2005). Potential roles of parental self-efficacy in parent and child adjustment: A review. *Clinical psychology review*, 25(3): 341-363.
- 0 Koerner, A. F.& Cvanara, K. E. (2002). The influence of conformity orientation on communication patterns in family conversations. *The Journal of Family Communication*, 2(3): 133-152.
- 0 Koerner, A. F.& Maki, L. (2004, July). Family communication patterns and social support in families of origin and adult children's subsequent intimate relationships. In International Association for Relationship Research Conference, Madison, Wisconsin: 22-25.
- 0 Koerner, F. A.& Mary Anne, F. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. *Annals of the International Communication Association*, 26(1): 36-65.
- 0 Koesten, J. (2004). Family communication patterns, sex of subject, and - communication competence. *Communication Monographs*, 71(2): 226-244.
- 0 Maral, P.& Kumar, V. (2017). Family structure and decision-making power among working and non-working women. *International Journal of Social Sciences Review*: 5(4), 574-580.
- 0 McLeod, J., & Chaffee, S. (1972). The construction of social reality. In, JT Tiedeschi (ed.), *The social influence process*: (pp. 50-99).
- 0 Pfizner, N.; Fitz-Gibbon, K. & True, J. (2020). Responding to the 'shadow pandemic': practitioner views on the nature of and responses to violence against women in Victoria, Australia during the COVID-19 restrictions.
- 0 Samani, S. (2008). Validity and reliability of family process and family content scales. *International Journal of Psychology*, 43: 3-4.
- 0 Sanga, S., & McCrary, J. (2020). The Impact of the Coronavirus Lockdown on Domestic Violence. Available at SSRN 3612491.
- 0 Semenza, D. C.; Roof, K. A.; James-Hawkins, L.; Cheong, Y. F.; Naved, R. T. & Yount, K. M. (2019). Gender-Equitable Parental Decision Making and Intimate Partner Violence Perpetration in Bangladesh. *Journal of Marriage and Family*, 81(4): 920-935.
- 0 Spinelli, M.; Lionetti, F.; Pastore, M.& Fasolo, M. (2020). Parents' Stress and Children's Psychological Problems in Families Facing the COVID-19 Outbreak in Italy. *Frontiers in Psychology*, 11, 1713.
- 0 Zhang, Y. & Ma, Z. F. (2020). Impact of the COVID-19 pandemic on mental health and quality of life among local residents in Liaoning Province, China: A cross-sectional study. *International journal of environmental research and public health*, 17(7): 2381.issue-brief-covid-19-and-ending-violence-against-women-and-girls-en.pdf.